

بسم الله الرحمن الرحيم^۱

تفصیل شهید صدر در اقل و اکثر ارتباطی، شک در جزء خارجی

عرض کردیم که در اقل و اکثر ارتباطی شک در جزء خارجی، نسبت به اکثر براءت جاری است مطلقاً، چه واجب توصلی باشد و چه تعبدی باشد.

شهید صدر تحت پوشش یک اشکال قائلین به براءت را در اینجا می‌خواهند به یک تفصیل ملزم کنند، می‌فرمایند نباید در اقل و اکثر ارتباطی شک در جزء خارجی بگویید مطلقاً براءت جاری است بلکه باید تفصیل بدهید، اگر واجب شما واجب توصلی است، براءت جاری است و اگر واجب، واجب تعبدی است اصل احتیاط واجب است و نه براءت. قبل از بیان مطلب و اشکال ایشان مقدمه‌ای را اشاره می‌کنیم.

مقدمه: در شک در مکلف به دو مورد محققین می‌گویند احتیاط واجب است.

مورد اول: دوران امر بین متباینین که قدر مشترک ندارند، اجمالاً می‌دانم یا نماز ظهر واجب است و یا نماز جمعه واجب است، اینجا احتیاط واجب است و امتثال قطعی به جمع بین دو تکلیف است.

مورد دوم: موردی است که نسبت بین دو طرف مکلف به عامین من وجه باشد، محققین می‌گویند باز هم احتیاط واجب است. مثال: اجمالاً می‌دانم یا دلیل گفته «**اکرم العالم**» و یا دلیل گفته «**اکرم الهاشمی**»، تمام ملاک متباینین اینجا هست، اگر اصل در هر دو جاری کنم، اصل عدم اکرام عالم است و اصل عدم اکرام هاشمی است، مخالفت با علم لازم می‌آید، یقین دارم اکرام یکی از این دو واجب است، جریان اصل در یکی ترجیح بدون مرجح است، لذا احتیاط واجب است، هم عالم و هم هاشمی و هم ماده اجتماع که عالم هاشمی است را باید اکرام کنم. بعد از مقدمه

شهید صدر می‌فرمایند اگر اقل و اکثر شما واجب توصلی باشد، ما هم قبول می‌کنیم که براءت جاری است ولی اگر اقل و اکثر شما واجب تعبدی باشد، همیشه برمی‌گردد به عامین من وجه و احتیاط در عامین من وجه واجب است. بیان دو مثال

مثال توصلی: زید در حفر قبر شک دارد که آیا یک متر باید باشد یا دو متر باید باشد؟ اینجا **شهید صدر** می‌گوید نسبت به یک متر یقین دارد که حفر واجب است و نسبت به مازاد شک دارد براءت جاری کند.

مثال تعبدی: دوران امر بین اینکه نماز واجب نه جزء است یا ده جزء است، ایشان می‌فرمایند اینجا سه حالت پیدا می‌شود، دو ماده افتراق و یک ماده اجتماع دارند:

ماده افتراق اول: اقل را انجام بدهد به داعی امر استقلالی، یک نماز بدون سوره بخواند، به قصد اینکه نماز نه جزئی استقلالاً بر من واجب است.

ماده افتراق دوم: نماز را با سوره بخواند به قصد امر استقلالی که نماز با سوره استقلالاً بر من واجب است.

ماده اجتماع مثلاً: یک نماز بخواند با سوره به قصد امر مطلق، یعنی بگوید فرق نمی‌کند امر تعلق گرفته است به اکثر، من اینجا نماز با سوره خواندم یا امر تعلق گرفته است به اقل باز هم نماز با سوره خوانده‌ام و اقل را انجام داده‌ام، اگر در واقع اکثر واجب باشد، وظیفه‌ام را انجام داده‌ام، در واقع اقل واجب باشد وظیفه‌ام را انجام داده‌ام.

شهید صدر می‌فرمایند اینجا واجبات تعبدی که قصد امر می‌خواهند یک صورت قصد امر در اقل بود استقلالاً، صورت دوم قصد امر در اکثر بود استقلالاً، صورت سوم قصد امر مطلق با اتیان اکثر، ایشان می‌فرمایند احتیاط واجب است با اتیان اکثر همان حالت سوم که به قصد امر مطلق بود. می‌فرمایند بر خلاف توصلیات، در توصلیات قصد امر لازم نیست لذا سه صورت پیدا نمی‌کند دو صورت دارد اقل متیقن و اکثر مشکوک، براءت جاری می‌کنیم ولی در تعبدیات اینگونه نیست. این خلاصه کلام **شهید صدر** در **مباحث الاصول**.^۲

۱ - جلسه ۹۴ - مسلسل ۲۱۲ - دوشنبه - ۱۴۰۰/۰۳/۱۷

۲ - مباحث الاصول، القسم الثاني جلد ۴ : صفحه ۳۳۲ «۲» - في خصوص العبادات، الوجه الثاني: ما كُنَّا نذكره في قديم الزمان وجهاً للمنع عن جريان البراءة في الأقل والأكثر الارتباطيين في العبادات، وكان ذلك في الحقيقة نقضاً على الأصحاب في مبني فقهي لهم في مسألة ما إذا قصد المكلف في عبادته خصوصية في الحكم، أو في المتعلق، فتبين خلافها، فهل تصح عبادته أو لا؟ وعلى هذا المبني نقول في المقام: ليس الأقل هنا إذا دار الأمر بين وجوب الصلاة مع سورة أو بلا سورة مثلاً محفوظاً دائماً ضمن الأكثر كي تجري البراءة عن الزائد المشكوك، بل النسبة بين

عرض ما این است که این اشکال به نظریه مشهور که ما هم قبول داریم جریان برائت در اقل و اکثر ارتباطی را، وارد نیست، چه اقل و اکثر ما توصلی باشد و چه تعبدی باشد برائت جاری است. وجه آن این است که ما در بیان اصل استدلال خودمان مقدمات پنجگانه‌ای مطرح کردیم مقدمه سوم از آن مقدمات این اشکال **شهید صدر** را جواب می‌دهد.

محور کلام **شهید صدر** این است اگر واجب تعبدی باشد سه امتثال فرض می‌شود، واجب است اتیان اقل به قصد امر استقلالی و واجب است اتیان اکثر به قصد امر استقلالی و واجب است اکثر به قصد امر مطلق، ما در مقدمه سوم بیان کردیم اصلاً استقلالیت و ضمنیت مجعول شارع نیست که قصد او لازم باشد و بعد تصویر کنیم سه صورت پیدا می‌کند. ما توضیح دادیم استقلالیت و ضمنیت را از کیفیت تعلق امر به متعلقش ما انتزاع می‌کنیم و ربطی به شارع ندارد، اگر شارع گفت «**صل**» امر به نه جزء منبسط شد ما استقلالیت را انتزاع می‌کنیم، اگر امر شارع به ده جزء منبسط شد ما انتزاع می‌کنیم که امر به نه جزء ضمنی است. اینکه استقلالیت مجعول شرعی باشد لذا در کیفیت امتثال تأثیر داشته باشد، شما اقل را به قصد امر استقلالی و اکثر را به قصد امر استقلالی یا اکثر را به قصد امر مطلق انجام دهید تا سه صورت داشته باشد این تصور درست نیست.

لذا در واجبات تعبدی مثل واجبات توصلی برای امتثال در خارج دو فرد بیشتر تصور نمی‌شود یا نماز بدون سوره بر انسان واجب است و یا نماز با سوره واجب است، نسبت به نماز بدون سوره انبساط وجوب یقینی است، نسبت به سوره شک در انبساط داریم اصل برائت از انبساط وجوب بر اکثر جاری می‌شود.

با ذکر این مطلب روشن شد در اقل و اکثر ارتباطی شک در اجزاء خارجی فرقی بین واجب تعبدی و واجب توصلی در جریان برائت نیست.

این تمام کلام در مقام اول که اقل و اکثر ارتباطی شک در جزء خارجی بود.

مقام دوم در بحث اقل و اکثر این است که شک داریم وجوب تعلق گرفته است به اقل یا به اکثر، آن جزء اکثر جزء تحلیلی عقلی است، یا در واقع بگوئید شرط است، در این صورت وضعیت چگونه است؟ که خواهد آمد.

الأقل والأكثر عموم من وجه، فمادة الاجتماع هي: ما إذا أتى بالأكثر لا بنحو التقييد، فعندئذ قد حصل الأقل والأكثر معاً، ومادة الافتراق من جانب الأقل: هي ما إذا أتى بالأقل بأن صلى بلا سورة في هذا المثال، فقد حصل الأقل ولم يحصل الأكثر، ومادة الافتراق من جانب الأكثر هي: ما إذا أتى بالأكثر بنحو التقييد بأن قصد في هذا المثال وجوب الصلاة مع سورة، بحيث إنه لا يريد الامتثال لو كان الواجب واقعاً هو الأقل، ولنفرض أنه قصد امتثال الأمر بالأكثر رجاء لا بنحو الجزم والتشريع كي يبطل العمل من هذه الناحية، فإذا صلى بهذا الشكل فقد حصل امتثال الأكثر، ولكنّه لم يحصل امتثال الأقل على تقدير وجوبه، فالأقل مقيد بعدم تقييد القصد بالأكثر، بناءً على تصوير تعلق الوجوب الشرعي بوجه من الوجوه بقصد القرية، فالأقل لم يعد بالدقة أقل، بل كل منهما مشتمل على زيادة منفية بالبراءة، فتعارض البراءتان».